



رفتار با کودکان

فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

اول کودکان: بنظر شما، مشکلات اجتماعی - اقتصادی مانند گرانی، فقر و بیکاری، اختلافات خانوادگی و مشکلات طلاق و جدایی، چه تاثیری بر رفتار پدر و مادر می گذارد؟ چه باید کرد که تاثیرات منفی این مشکلات بر زندگی و رشد سالم کودکان کاهش یابد؟

مادر، خشم و عصبانیتشان دامنگیر کودکان بیگناهشان، خواهد شد. چگونه نداشتن امکان مالی برای فراهم کردن خواستههای اولیه کودکانمان، ما را سرخورده و مایوس می کند و چگونه بعد از اصرار کودک بر خواستههای بسیار ساده اش مانند خرید یک کفش نو، انفجار خشم ما بر سر کودکان خالی می شود. چگونه همین مشکلات باعث بوجود آمدن اختلافات خانوادگی یا دامن زدن به این اختلافات خواهد شد. طلاق و جدایی در امتداد این اختلافات و مشکلات مالی، چگونه کودک ما را تحت تاثیر قرار می دهد. در جامعه ای که توانایی فراهم کردن رفاه اولیه را برای شهروندان خود ندارد، چگونه باید پدر و مادری که با عشق و علاقه به استقبال تولد نوزاد خود رفته اند، امنیت و آسایش را در خانه برای فرزندان خود تامین کنند؟ تلاش و مبارزه پدران و مادران برای تامین امنیت، رفاه و آسایش کودکان خود، به هیچ وجه جدا از مبارزه برای خوشبختی خود و همنوعان خود نیست. برای

صفحه ۲

این سوال هم همچون سوال شما در شماره های قبل، وسیع و کلی است. اما جواب من به این سوال، در مقایسه با سوال قبلی بسیار متفاوت خواهد بود. چرا؟ چون در جواب سوال اول فرض ما این بود که خانواده های مخاطب ما، این مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی را ندارند. حتی ما فرض گرفتیم که این خانواده ها کسانی هستند که به حقوق کودکان آشنا هستند و به آن احترام می گذارند. بنا بر این فرض من از دیدگاه پداگوگی (علم تعلیم و تربیت) به سؤال سعی کردم، نگاه کنم. اما این بار کاملاً صورت مسئله

ابتدا سعی خواهم کرد که به قسمت اول سوال بپردازم و با هم آن را بررسی کنیم. مشکلات اجتماعی و اقتصادی چه تاثیری بر رفتار ما پدر و مادران با کودکانمان می گذارد؟ فشار بیکاری چگونه روح و روان یک پدر و مادر، را آزار می دهد و چگونه بعد از گذشت زمان و کم نشدن این فشار و پر شدن کاسه صبر و طاقت این پدر و

صفحه ۲

نقش اسلام در آموزش و پرورش

اسد حکمت

موازین و احکام کثیف اسلامی و مطابق میل حاکمان در بیابند، نخستین مطالبی که به عنوان بربریت این رژیم میتوان زد جداسازی جنسی بر حسب جنسیت میباشد، بطوریکه در تمام سطوح تحصیلی از دبستان، راهنمایی، دبیرستان، پیش دانشگاهی شاهد مدارس جدا

صفحه ۲

در این مقاله قصد اینست که جایگاه مناقشه مذهب بخصوص اسلام را در سطوح تحصیلی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم. جمهوری اسلامی با سرکار آمدنش در پایان دهه هفتاد میلادی یک نوع سیستم آموزشی گزینشی شبیه قرون وستا راه انداخت، سیستم بسته ایی که مانند کارخانه ایی است که کودکان باید با

یکی از مشکلاتی که کودکان در ایران برای تحصیل با آن روبرو هستند پدیده شومی است به نام مذهب اسلام. این پدیده بازدارنده بر تمامی جوانب تحصیلی یک کودک از آغاز دبستان تا پایان دبیرستان تا دانشگاه مانند اختاپوسی حکمفرمایی میکند.

وضعیت کودکان پناهجو

یک بررسی کوتاه



اسماعیل مولودی

قسمت چهارم

گروه کودکان بدون سرپرست کودکان ویتنامی بودند که در اوائل دهه ۱۹۸۰ به سوئد آمدند بعد از آن اداره امور مهاجرین سوئد بفرق تصویب قانون و چگونگی برخورد به این کودکان شد. در جریان جنگهای داخلی در یوگسلاوی سابق قریب به ۱۵۰۰ کودک در سال ۱۹۹۲ به سوئد آمدند. این سه مقطع که اسم بردم بیشترین تعداد کودکان که والدینشان همراه آنها نبوده به سوئد آمده اند بعد از آن

صفحه ۳

را از زبان آمار و تحقیقاتی که شده ارائه دهم. کلاً پدیده کودکان بی سرپرست مقوله تازه ای نیست اما اولین گروه کودکان بی سرپرست که بسوئد آمدند بچه هایی بودند که در جریان جنگهای داخلی فنلاند در بین سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۴ به سوئد آمدند قریباً ۷۰۰۰۰ کودک بودند که در این مقطع مثل پناهجو و بدون والدینشان به سوئد آمدند. در دوران اخیر اولین

قبلاً اشاره کردم که کودکان پناهجو بدون سرپرست چه وضعیتی دارند. اینجا لازم میدانم کلاً مسئله این کودکان

به من بگو چرا؟

می سوزند. بحث بر سر این نیست که این نوع زندگی حق آنها نیست. بلکه نگرانی در این است، چرا؟ اکثریت قریب به اتفاق کودکان جهان نه تنها این دنیا برایشان رویاست گویا نکبت و بی امکاناتی جزء لاینجزای زندگی آنان است. من می خواهم یک تصویر کلی هر چند گذرا و کوتاه از دنیای

صفحه ۲

آموزشهایی صحیح و بجا در همین دنیای وارونه سرمایه داری کلی دنیای کودکان را شاد نگه می دارند. آرامشی عمیق همراه استاندارد های بالای زندگی اغلب در زندگی این کودکان به چشم می خورد، ملموس و دست یافتنی ست. در چند قدمی آنها کودکان پناهنده با آه و حسرت به آنها نگاه می کنند در تب و تاب این داستان زندگی



اسماعیل خضری

با شروع تعطیلات تابستانی در جوامع غربی اردوهای فرح بخش و انواع شادیها در انتظار کودکان است. با

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

و هیچ نوع رغبتی را برای فراگیری ایجاد نمی کند و برعکس تنفر و ضدیت آنها را از هر نوع مذهبی بیشتر و بیشتر میکند. جنبه دیگری که به یک جنگ گریز بین دانش آموزان و رژیم تبدیل شده است مراسم صبحگاهی است که شامل خواندن قرآن، خواندن حدیث و دعا کردن برای سلامت جان اشغالهای جمهوری اسلامی است. هر روز صبح ۲۰ دقیقه دانش آموزان را سر صف نگه میدارند و شکنجه روحی میکنند. این مساله انزجار شدیدی را بین دانش آموزان ایجاد میکند و همه از این مراسم فراری هستند. ترساندن، کتک و اخراج هم این مساله را تخفیف نمیدهد. ادامه دارد

احتیاج دارد. دختر ۶ ساله بجای داستانهای شیرین و انسانی کودکان باید داستان جنگهای وحشیانه قبایل بدوی عربستان را یاد بگیرد و حفظ کند. جنبه دیگری که همیشه در کتب درسی مشکل ساز بوده است عکس رهبران جمهوری اسلامی است، تعداد زیادی از دانش آموزان بخاطر پاره کردن این عکسها از مدارس اخراج شده اند. در کلاس ۴ دبستان که بودم یادم میآید که دوستم برای خمینی شاخ و دم کشیده بود، او را از مدرسه اخراج کردند. تهدید معلمان و روسای مدارس هیچگاه کار ساز نبوده است. در یک جمع بندی کلی کتابهای درسی به علت دخالت اسلام و رژیم به یک چیز پوچ برای دانش آموز تبدیل شده است

ادامه نقش اسلام در آموزش و پرورش

تمام این کتابها بر اساس مذهب اسلام نوشته شده است. هیچ کتاب زیست شناسی در دنیا پیدا نمیشود که از داروین و تکامل صحبت نکرده باشد ولی در ایران چنین کتابهایی به وفور پیدا میشود. هیچ کتاب تاریخی پیدا نمی کنید که تا این حد وقایع را تحریف کرده باشد. از یک هفته درسی دانش آموز اکثر اوقاتش با دروس دینی، قرآن، پرورش که درسی است جهت تفتیش عقاید پر میشود. حقوق معلمان این رشته بیشتر است و اکثرا سپاهی و بسیجی هستند. یک دقیقه نشستن در کلاس درس این معلمان حال هر انسانی را از زنده بودن به هم میزند چه برسد به کودکی که به وقت تفریح و شادی و بازی

ادامه از هم هستیم یعنی به معنای عام مدارس دخترانه و مدارس پسرانه از روز اول به کودک می آموزد که جنس مقابل برای او خطرناک است، شیطان است، باعث بدبختی او میشود، آموزش مدیران مدرسه و ناظم های اطلاعاتی هم بر همین نظم است که به کودک آموزش بدهند که جدایی آنها از هم یک امر طبیعی و نرمال است حتی رژیم اسلامی دست از سر معلمان هم در این زمینه برنداشته است. سیستم تقسیم معلمان هم بر اساس آپارتاید جنسی حکمفرما و بر اساس احکام اسلامی است. تقریبا تعداد دبیران زن در مدارس پسرانه صفر است. تعداد دبیران مرد در مدارس و مراکز دخترانه انگشت شمار است تازه آنهم با چه محدودیتهایی، مثالها در این زمینه بسیار است. معلمان حق درس پرسیدن و صحبت با کودکان دختر ندارند. گزارش میشود که در یکی از مدارس ناحیه ۲ اصفهان دختر برای اینکه استاد صدایش را نشنود از جواب دادن درس امتناع کرده بود وقتی معلم او را بازخواست کرده بود و او را برای این کار از کلاس بیرون کرده بود، از آموزش و پرورش برای این دبیر توییح نامه آمده بود. از این مثالها فراوان است. در مدرسه ای در ناحیه ۵ اصفهان معلمی را که در سر کلاس درس شوخی کرده بود و جوکی را تعریف کرده بود از کار بازداشتند. این یک روی سکه است. از طرف دیگر معلمان که این وضع و محدودیت را می بینند سعی میکنند با دانش آموزان هم جنس خود کلاس داشته باشند و اینگونه شاگردان از تدریس معلمان برجسته محروم میشوند. مورد دیگر کتابهای درسی است. از کتاب فارسی گرفته تا علوم تجربی تا دینی زیست شناسی همه کتابها سعی در اثبات مذهب دارد، تمام وقایع تاریخی را قلب کرده است

سردبیر

هفته نامه

«اول کودکان»

امیر توکلی

tel:

00 358 405 821 776

e.mail:

tavakoli@hotmail.com

مسئول مرکز پخش:

شهلا خباززاده

ava_kodakan1@yahoo.de

shahla-xabazzade@t-online.de

رئیس

کمیسیون بین المللی دفاع

از حقوق کودکان

«اول کودکان»

ثریا شهابی

tel:

00 44 7 981 343 101

e.mail

soraya_shahabi@yahoo.com

Main Office:

Chair Person,

Soraya Shahabi

CF, BM Box 1919

London WC1N3XX

England

Tel: 44-798 134 3101

Fax: 1-413-639-1602

تلویزیون اول کودکان

در کانال جدید

Satellite: Telstar 12

Center Frequency:

12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization:

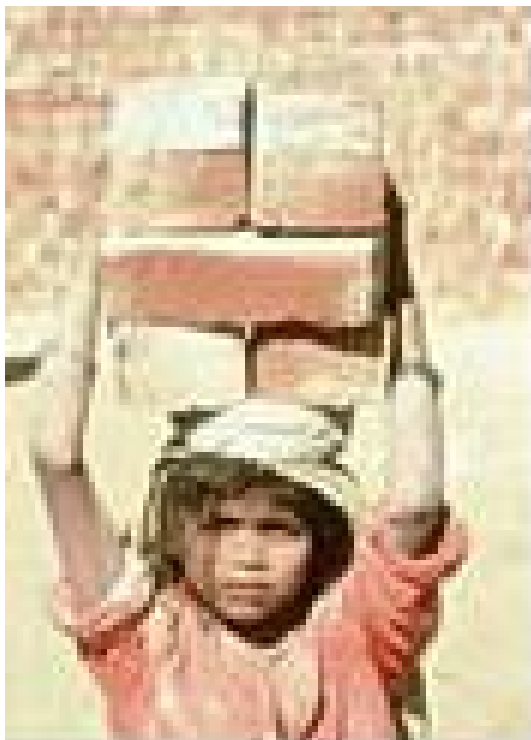
Horizontal

آدرس اول کودکان

در سوئد

www.barnenforst.com

barnenforst@hotmail.com



ادامه به من بگو چرا؟

کودکان ارائه بدهم. توجه شما را به ایران جمهوری اسلامی جلب می کنم. از کردستان و از شهر سردشت میگویم: با پایان رسیدن درس و مشق تازه مشقت بچه ها شروع می شود. هوا کم کم گرفته، گرم، خشک و طاقت فرساست. خانواده های زیادی از سر اجبار و بی بضاعتی و علیرغم میل باطنی خود به کوره پزخانه های اطراف شهرهای تهران و اصفهان و ... میروند و در شرایط رقت بار و کسالت آور و به دور از هر آنچه بهداشت و تمدن نام دارد کار می کنند. کودکان در شرایط مرگ و زندگی و در زیر بار کار سخت، خشت بری همراه والدین خویش افسرده، متلاشی و خسته اند.

را بسر می برند. بستنی فروشی، بلال فروشی، جمع آوری پلاستیک کهنه و کفش کهنه و نان خشک کار کودکان برای زنده ماندن است. چه تحقیری که تحمل نمی کنند. کی این دیو سرمایه سیر می شود؟ کی کار کودکان در سراسر جهان ممنوع می شود؟

کی زندگی شاد و خلاق بر چهره این خردسالان خود نمایی می کند؟ کی پایان این نامالیقات فرا می رسد؟ ایجاد دنیای انسانی و شاد کودکان در گرو بزیر کشیدن تخت و تاج سرمایه است. این یک حقیقت همیشه زنده است.

اول کودکان

دوشنبه ها منتشر میشود

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

ادامه وضعیت کودکان پناهجو

و بخصوص با سختگیرانه تر شدن قوانین پناهنده پذیری هر ساله تعداد این کودکان کم و کمتر شده اما هنوز هرساله بین ۳۵۰ تا ۴۵۰ کودک تنها بدون والدینشان به سوئد می‌آیند. طبق آمار وزارت امور مهاجرین در بین سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲ به ۲۱۶۲ نفر رسیده که از این تعداد ۱۱۸۰ اقامت گرفته اند.

سال	کودکان پناهجو بدون سرپرست	تعدادی که اقامت گرفته اند
۱۹۹۷	۱۶۹	۸۵
۱۹۹۸	۳۹۶	۱۷۱
۱۹۹۹	۲۳۶	۲۲۲
۲۰۰۰	۳۵۰	۲۵۳
۲۰۰۱	۴۶۱	۲۲۹
۲۰۰۲	۵۵۰	۲۲۰

منبع وزارت امور مهاجرین

بمهاجرت فرستاده میشوند هیچوقت احساس آرامی ندارند. بدلیل اینکه این را تجربه نکرده اند و مورد محبت بزرگان قرار نگرفته اند. در ادامه میگویند کودکان و نوجوانانی در سنین بلوغ و نوجوانی به مهاجرت فرستاده میشوند و یا مجبور به مهاجرت میگردند در بزرگ سالی دچار مشکلات فراوان روحی، ارتباط با دیگران و کلا نا آرامی های جدی روانی و اجتماعی میگردند.

در مصاحبه با ده کودک در شهر گوتنبرگ در سالهای ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸ که در سنین ۲ تا ۸ ساله بودند نشان میدهد که این کودکان کنترل حواس ندارند، هنوز نمیدانند چرا والدینشان پیششان نمیآیند. خواب راحت ندارند، اکثرا در خواب داد میزنند و یا با گریه از خواب میپرند. این کودکان نگرانی و اضطراب سرپای وجودشان را گرفته. طبق آمار سازمان ملل سال ۲۰۰۳ قریبا ۱۷۰۹۳۴۰۰ از این تعداد تقریبا ۹ میلیونشان کودک است و ده درصد از آنها یا والدین و سرپرستشان را از دست داده اند، یا نمیدانند کجا هستند و یا به مهاجرت فرستاده شده اند. در سوئد در سال ۲۰۰۳، ۸۵۶۸ کودک بین سنین ۰ تا ۱۷ ساله به سوئد آمده اند و پناهنده شده اند که از این تعداد ۵۶۱ نفرشان بدون سرپرست هستند.

ادامه دارد

آیا درزندگی آرامش خواهند داشت؟
سال ۱۹۹۷ از صد کودکی که بدون والدینشان به سوئد آمده اند تحقیق بعمل میآوردند. فقط هشت نفر قبل از سفر متوجه شده اند که چرا باید مهاجرت کنند. ۹۲ نفرشان هنوز با تنفر از پناهنده شدنشان و سفرشان اسم میبرند و یا حاضر نیستند آنرا تعریف کنند.

خانم ماری هسله Hesse Marie در سال ۱۹۹۷ از صد کودک که از ۱۴ کشور مختلف به سوئد آمده اند تحقیقی بعمل میآورد و میگوید، ۵۷ درصدشان احتیاج فوری و مبرم به مراقبتهای روانی و روان درمانی دارند. ۱۶ درصدشان در خانواده هایی زندگی میکنند که امنیت ندارند و مرتباً مورد اذیت و آزار روحی و جسمی از طرف خانواده قرار میگیرند. ۱۳ درصد از این کودکان بشدت عصبی، پرخاشگر هستند زیرا امنیت در زندگی را تجربه نکرده اند بنابراین همیشه نسبت به اطرافیان خود بد بینند. این آدمها در آیند بسختی از عهده حل مشکلاتشان بر خواهند آمد. خانم آنه ماری والین Anne-Marie Wallin در سال ۲۰۰۲ با تعدادی از این کودکان مصاحبه میکند. نتیجه ای که از این کارش میگیرد و میگوید کودکانی که بدون والدینشان مجبور به مهاجرت میشوند و یا

بقیه هیچ اطلاعی ازشان نیست، آیا به کشور خود برگشته اند؟ آیا به کشور دیگری پناهنده شده اند؟ یا هنوز مخفی زندگی میکنند؟ اینها سوآلهایی است که هر کس میتواند از خود بکند. میانگین سن کودکان طبق گزارش وزارت امور مهاجرین این چنین است، یک پنجم آنها کودکان کمتر از ۱۲ سال هستند، همیشه یک سوم این کودکان را دختران تشکیل میدهند.

همچنین طبق آمار وزارت امور مهاجرین در سال گذشته (۲۰۰۳) تعداد ۱۶۷ کودک ایرانی به سوئد آمده اند که از این تعداد ۱۴ نفرشان بدون سرپرستند. در تحقیقی که سال ۱۹۹۴ در منطقه رینکه بی Rinkeby استکهلم انجام شده نشان میدهد که فقط بیست از کودکان گفته اند با رضایت خود به مهاجرت آمده ایم. همین تحقیق نشان میدهد که این نوع کودکان مورد تجاوز جسمی و روحی از طرف خانواده ای که سرپرستی شان را بعهد گرفته بود قرار میگیرند. تعدادی از این کودکان هنوز نمیدانند چرا والدینشان آنها را به این جا فرستاده اند. تعدادی هم فکر میکنند والدینشان نامهربانند و خواسته اند از شرشان راحت شوند. در نظر بیگیرید با این روحیه و نا آرامی روحی کودک میتواند چه جوابی داشته باشد و یا

”اول کودکان” برگزار میکند سومین کنفرانس اول کودکان کودکان اول چرا و چگونه؟ کنفرانسی در مورد جهانشمول بودن حقوق کودک ۲۰ و ۲۱ نوامبر، استکهلم

اطلاعات بیشتر در مورد سومین کنفرانس اول کودکان در اطلاعاتی های بعدی به اطلاع میرسد.

لطفا برای کسب اطلاعات و ثبت نام برای شرکت در این کنفرانس با آدرسهای زیر تماس بگیرید

۲۱۰۱ ۱۳۴ ۷۹۸-۴۴

۴۶-۰۸-۵۲۱۸۴۲۲۹

۴۶-۷۶ ۲۳۴ ۴۲ ۸۲

parvaneh.ahmadi@comhem.se
karimshamohammadi@yahoo.se
avalkodakan@yahoo.co.uk
www.childrenfirstinternational.org

ادامه

رفتار با کودکان

رها شدن کامل کودکان از بی امنیتی، فقر، گرسنگی، آزار و اذیت، سواستفاده جنسی و . . . ، باید جامعه آن قدرتی را به سر کار بیآورد که تضمین کننده حقوق و رفاه کودک و کلاً انسانهای آن جامعه باشد. ما به عنوان پدران و مادرانی مسئول که با عشق به فرزندانمان از طلوع آفتاب تا غروب آن در تلاش ساختن محیطی با ثبات با امنیت و رفاه برای کودکانمان هستیم، نباید هیچگاه از مبارزه جمعی برای رفاه کل کودکان جامعه و خلاصی آنان از مصیتهای مکرر این دنیای وارونه، غافل شویم. اما آیا باید همه چیز را به بعد از به نتیجه رسیدن این مبارزه جمعی حواله داد؟ آیا ما مجازیم که رفتار غیر مسؤالانه، ناعادلانه خود را نادیده بگیریم و همه چیز را به گردن مشکلات اقتصادی و اجتماعی بیاندازیم؟ آیا ما به عنوان انسانهای بزرگسال و عاقلی که تصمیم به بچه دار شدن گرفته اند، مجازیم فشار هولناک بیکاری، گرانی و فقر را به کودکانمان منتقل کنیم؟ آیا ما توانایی این را داریم که از تاثیر این شرایط بر رفتارمان با کودکانمان، بکاهیم؟ فرق ما به عنوان بزرگسال با کودکان چیست؟ چرا مسؤلیت همه زندگی به عهده ماست؟ باید به این سوآلهای و دهها سوآل دیگر، با حوصله و دقت پاسخ داد. باید این پاسخها را بررسی کرد و راه حلهای واقعی و عملی برای حل این مشکلات به دست داد. این هم وقت و زمان می طلبد که اگر موافق باشید در شماره بعد اول کودکان بدان خواهیم پرداخت.

ادامه دارد

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان



کار سخت و طاقت فرسای کودکان ایلامی در گرمای تابستان

میکنند. امیر محمدی دانش آموز سوم راهنمایی یکی از مدارس شهر ایلام میگوید به دلیل فقر مالی روی آوردن به کفاشی را به شرکت در کلاسهای فرهنگی و هنری تاستانی ترجیح داده است. او میگوید امسال با معدل ۲۰ قبول شده اما بیم آن دارد در آینده به دلیل مشکل مالی خانواده نتواند در مقابل بالاتر ادامه تحصیل بدهد. نوجوان ۱۳ ساله دیگری گفت پدرش کارگر ساده است و در اول سال به صورت مقطعی کار میکند و درآمد او برای تامین معیشت هشت نفر اعضای خانواده اش ناچیز است. بهروز امینی ادامه داد هر ساله برای کمک خرج خانواده اش تابستان را با دست فروشی در خیابانهای ایلام سپری میکند. تعداد زیادی از این دانش آموزان ایلامی میگویند عمده ترین مشکل آنان فقر مالی و کمبود مراکز اشتغالزای برای خانواده های ایلامی است.



خبرگزاری سینا: با جثه کوچکش گاری دستی راکه مقداری تنقلات و بیسکویت در آن گذاشته بود از سرایشی خیابان هول داد، صدای خسته و گرفته اش که فریاد می زد، آبنبات، پفک، لواشک و تمام کوچه را گرفته بود. هفت یا هشت ساله نشان میداد، بسته آدامسی در دست گرفته بود و با اصرار زیاد از عابران می خواست از او آدامس بخرند. اصرار او بیشتر اوقات بی نتیجه بود و ناراحت و غمگین در حالی که از نگاهش نا امید می موج می زد به کار خود ادامه می داد، انجام کارهایی از این دست در گرمای طاقت فرسای تابستان که همه ساله با تعطیلی مدارس شروع میشود. کودکان و نوجوانان ایلامی را در تلاطم سختیها قرار می دهد، هر چند که انجام کار برای نوجوانان زیر ۱۵ سال براساس مقررات صندوق حمایت از کودکان ملل متحد (یونیسف) ممنوع است اما بدون توجه به این نکته بسیاری از کودکان و نوجوانان ایلامی برای کسب

و کمک به اقتصاد خانواده به کار مشغول می شوند، پهن کردن بساط کفاشی، سیگارفروشی، بستنی و خرده فروشی در کوچه ها، و کمک به اقتصاد خانواده به کار مشغول می شوند، پهن کردن بساط کفاشی، سیگارفروشی، بستنی و خرده فروشی در کوچه ها،

را در کنار بساط کفاشی و دست فروشی خود استراحت کرده و به خواب میروند و کمتر کسی از آنان برای استراحت به خانه مراجعه

خیابانها، چهارراه های شهر ایلام توسط دانش آموزان و نوجوانان در ایلام تابستان به چشم میخورد. اغلب این دانش آموزان ظهرها

ممنوعیت خشونت جسمی و روانی کودکان